

هیجان انگیز

آثار چه کسانی از صداوسیما بدون اجازه پخش شد؟

ماجرای ۱۰ ساله شکایت شجریان از صدا و سیما در ایستگاه آخر

شهروند | پرونده شکایتی که در سال ۸۸ از سوی محمدرضا شجریان باز شده بود، دوم شهریور ماه امسال دوباره بررسی خواهد شد و اینبار در شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی مسعودی مقام که همزمان ریاست شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به پرونده اخلاکگران اقتصادی را هم برعهده دارد. قانون کیفری را به هیچ وقت در ایران جدی گرفته نشده است و هیچ کس هم زیر بار آن نمی رود، نه سایت ها و کانال های بی سرو سامان در دنیای مجازی و نه حتی صداوسیما که یک رسانه رسمی در ایران است. گویا تلویزیون ایران همیشه خود را در پخش آثار بدون اجازه صاحب حق می داند و تازه منتهی هم بر سر کسانی که آثارشان پخش شده است، گذاشته می شود، چون آنها معتقدند به شهرت استادان کمک کرده اند! با این حال، بارها پخش آثار بزرگانی چون محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، شهرام ناظری، کامبیز روشن راون، عبدالحسین مختاباد و حسین زمان اعتراض آنها را رقم زده است، اما جز استاد محمدرضا شجریان و ظاهر همسر فرهاد مهرداد هیچ کدام از معترضان شکایتی علیه صداوسیما تنظیم نکردند. سال ۸۸ به دنبال استمرار پخش آثار استاد شجریان، محمدحسین آقاسی، و کیل مدافع او شکایتی را مستند به ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان از این سازمان در دادسرای کارکنان دولت مطرح کرد. این پرونده تا به حال چندین بار در دادسرای کارکنان دولت بررسی شده و بعد از اعلام حکم، طرفین به نتیجه آن اعتراض کرده اند. محمدحسین آقاسی، وکیل مدافع شجریان درباره آخرین جلسه برگزار شده در سال گذشته می گوید که در آن جلسه تفسیر قضائی، سلیقه و طرز تفکر قاضی این بود که صداوسیما کار بدی نکرده و شاید پخش آثار به نفع موکل هم بوده است: «هائیتا اعلام دادگاه حکم خود مبنی بر رد شکایت را صادر و اعلام کرد پخش آثار موکل در صداوسیما موجب شهرت وی نشده و به زیان او نبوده است. ما به این حکم اعتراض کردیم و حالا دوم شهریور قرار است نزد قاضی مسعودی مقام به آن رسیدگی شود.» البته پوران گلفام همسر فرهاد مهرداد هم در سال ۸۹ به دلیل پخش بدون اجازه آثار این خواننده پس از مرگش از صداوسیما شکایت کرده بود که در نهایت توانست دستور موقتی برای منع پخش آثار فرهاد از تمامی کانال های رادیو و تلویزیون به همراه جریمه نقدی را بگیرد. اگر چه بعدتر پوران گلفام به محقق شدن رأی صادر شده اعتراض داشت: «دادگاه تجدیدنظر به دلیل عدم دسترسی به آرشیو تلویزیون و در نتیجه عدم کفایت مستندات، با وجود نظر کارشناسان تعیین شده از جانب دادگستری، تنها ۶ قطعه از آثار فرهاد را واجد شرایط برای احقاق حقوق تضییع شده دانست. دادگاه پیشین حکم به ممنوعیت پخش آثار فرهاد از صداوسیما داده بود، اجرای آن از جانب این رسانه محقق نشد و رئیس دادگاه تجدیدنظر نهایی هم در حکم خود اشاراتی به این موضوع نکرد! من به عنوان یک شهروند عادی خواهم مندم علت را توضیح بدهم تا شاید حداقل هنرمندان در قید حیات بدانند که چرا صداوسیما حق دارد بدون اجازه آثارشان را پخش کند.» حالا قاضی مسعودی مقام که تاکنون رسیدگی به پرونده های سعید مرتضوی، حمید بقایی، حسین هدایتی، علی بخشایش، پرویز کاظمی و محمدرضا توسلی (مدیران بانک سرمایه) سیدمحمدهادی رضوی، احسان دلاویز، پرونده ۶۶ هزار میلیارد تومانی پتروشیمی را برعهده داشته، قرار است دوم شهریور پرونده شکایت مهمترین موسیقیدان حال حاضر ایرانی را بررسی کند.

خبر

فروشی شماره گذرنامه برای رجستری موبایل

یکی از مسئولان تیمی پر هوادار در لیگ برتر که برای اعزام تیمش به اردوی خارج از کشور گذرنامه بازیکنان را در اختیار داشت، در اقدامی عجیب شماره گذرنامه ها در قبال دریافت رقمی قابل توجه در اختیار یک فروشگاه گوشی تلفن همراه قرار داد تا با استفاده از این شماره گذرنامه ها، تعدادی گوشی موبایل قاچاق رجستری شود. این موضوع زمانی لو می رود که ابتدا یکی از بازیکنان این تیم پیامکی دریافت می کند مبنی بر اینکه شما گوشی تلفن همراهی خرید کرده اید که غیر قانونی وارد شده است. پیگیری این بازیکن مشخص می کند از طریق شماره گذرنامه اش اقدام به رجستری یک عدد موبایل قاچاق کرده اند و پیگیری های بعدی مشخص می کند این اتفاق برای همه بازیکنان این تیم افتاده است.

تحقیقات نشان می دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

چه کسانی تقلید می کنند؟

دکتر محمد مهدی فتورچی، پژوهشگر حوزه رسانه | بی تردید میزان تأثیر صحنه های خوشنما بسته به تجربه قبلی مخاطب، تربیت خانوادگی، ترویج فرهنگ خوشنما در جامعه و حتی جنسیت متفاوت است. بر اساس فرضیه خوگیری در گذر زمان و بلندمدت حساسیت زدایی نظام مندی در مخاطبان تجربه می شود و بر برخی رفتارها و به ویژه خوشنماهای کلامی به مرور زمان در کاربران و در ضمیر ناخودآگاهشان نهادینه می شود. فراموش نکرده ایم اقدام به خودکشی مرتکب شدن را که موجب افزایش نرخ خودکشی جوانان در آمریکا و بریتانیا شد، با فیلم مرگ یک دانش آموز و تقلید برخی از جوانان از صحنه مرگ فیلم.

پولاد امین | انتشار اخباری درباره تقلید یک نوجوان از یکی از اجراهای برنامه عصر جدید که به مرگ آن نوجوان انجامیده، یک بار دیگر نام عصر جدید را جنجالی کرد. ماجرا در روزهایی رخ داد که عصر جدید در اوج به سر می برد و هر هفته میلیون ها نفر در رأی گیری آن حاضر می شوند. در این اوضاع و احوال منتشر می شود مبنی بر این که یک نوجوان ۱۲ ساله به خاطر تقلید از برنامه عصر جدید خود را حلق آویز کرده است. خبری که بهترین فرصت را ایجاد می کند برای انواع و اقسام انتقادات از این برنامه. ظاهراً این پسر بامبلی زمانی که اعضای خانواده اش در خانه نبودند، در حال انجام حرکات نمایشی باربسمان دچار خفگی شده و جانش را از دست داده است.

جنگ مجازی

اتفاق غم انگیزی است. مثل صدها اتفاق غم انگیزی که در چهار گوشه این مملکت هم روز به روز می دهند و کسی از شان خبردار نمی شود. سولی چون این بار نام عصر جدید در میان بوده، خبر حلق آویزشدن این نوجوان بامبلی رسانه ها را بر می کند و واکنش های بی شماری حاصل می آورد که موضوع شان نه

دستگیری شاعر معروفی که کتابفروشی را آتش زد

«فرهاد پیربال» به جرم آتش زدن یک کتابفروشی محلی در «پربل» در اعتراض به آن چه انتشار پنج کتابش بدون دریافت اجازه عنوان کرده، توسط پلیس دستگیر شد. این در حالی است که این انتشارات اتهام های وارده از سوی «پیربال» وارد می کند. به گفته «سوران عزیز» مسئول کتابفروشی «خانه وفا» بیش از ۵ هزار کتاب در جریان این آتش سوزی از بین رفته اند. «پیربال» بیشتر در صفحه فیس بوک خود نوشته بود: «پیش از این به این کتابفروشی گفته بودم که پنج کتاب من را بدون اجازه و بدون هیچ گونه قرار داد قانونی چاپ کرده و با فروش هر کتاب ۱۵۰۰۰ دیناری ۷۰۰۰ دینار را برای خود برمی دارد. از آنها خواستم کتاب هایم را پس بدهند، در غیر این صورت کتابفروشی آنها را آتش خواهیم زد. آنها از من خواستند شکایت خود را به دادگاه ببرم.»

مرگ یک نوجوان و تکرار یک پرسش قدیمی: نفوذ سینما و تلویزیون بر روان مخاطبان تا کجاست؟

به دنبال کوبریک در عصر جدید

در شرایطی که مرگ یک نوجوان در اثر تقلید از اجراهای برنامه عصر جدید نام این برنامه را جنجالی کرده، در برنامه دوشنبه شب اجرای برنامه پر تاب چاقو توسط یکی دیگر از شرکت کنندگان بحث ها را در این مورد گسترده تر کرد. اجرایی که در بین داوران برنامه هم مخالفانی داشت...



این اتفاق با اتفاقات مشابه، بلکه منافع و مضار برنامه های به نام عصر جدید است. در حالی که عده ای عصر جدید را به اتهام نمایش اجراها و برنامه هایی که ممکن است تکرار شان باعث به خطر افتادن جان اجرا کنندگان شود، زیر آخیه کشیده و متهم می کنند، در سوی مقابل هم عده ای هستند با این توجیه که «در دنیای رسانه از هر برنامه ای می توان تقلید کرد و این مسأله به خودی خود نمی تواند تقصیری بر گردن آن برنامه به حساب آید.» به خصوص در مورد برنامه عصر جدید؛ که احسان علیخانی آن قدر در هر اجرایی به بینندگان هشدار می دهد که از تقلیدهای خطر آفرین دوری کنند و حتی یکی از داوران هم مبنای داوری اش را دوری از اجراهای خطر آفرین و ریسکی قرار داده است. در میان مخالفان کامنت هایی

چون این بسیارند: «وقتی بهترین ساعات پخش را در اختیار برنامه ای تقلیدی می گذارند، طبیعی است که نوجوانان هم به خاطر تکرار آن آید و تحسین ها تن به ریسک دهند و چنین اتفاقاتی رخ دهد». موافقان برنامه هم نظرات خود را بی پرده منتشر می کنند: «خب یهویی بگویی این برنامه رانمی خواهیم و خلاص دیگر. در برنامه ای مختص این اتفاق یا اتفاقات مشابه، بلکه منافع و مضار برنامه های به نام عصر جدید است. در حالی که عده ای عصر جدید را به اتهام نمایش اجراها و برنامه هایی که ممکن است تکرار شان باعث به خطر افتادن جان اجرا کنندگان شود، زیر آخیه کشیده و متهم می کنند، در سوی مقابل هم عده ای هستند با این توجیه که «در دنیای رسانه از هر برنامه ای می توان تقلید کرد و این مسأله به خودی خود نمی تواند تقصیری بر گردن آن برنامه به حساب آید.» به خصوص در مورد برنامه عصر جدید؛ که احسان علیخانی آن قدر در هر اجرایی به بینندگان هشدار می دهد که از تقلیدهای خطر آفرین دوری کنند و حتی یکی از داوران هم مبنای داوری اش را دوری از اجراهای خطر آفرین و ریسکی قرار داده است. در میان مخالفان کامنت هایی چون این بسیارند: «وقتی بهترین ساعات پخش را در اختیار برنامه ای تقلیدی می گذارند، طبیعی است که نوجوانان هم به خاطر تکرار آن آید و تحسین ها تن به ریسک دهند و چنین اتفاقاتی رخ دهد». موافقان برنامه هم نظرات خود را بی پرده منتشر می کنند: «خب یهویی بگویی این برنامه رانمی خواهیم و خلاص دیگر. در برنامه ای مختص

چالش جهانی

روانشناسان و جامعه شناسان با این که در مواجهه با تاثیرات اجتماعی تلویزیون-سینما-بر مخاطبان اتفاق نظر ندارند و راه های گوناگونی را پیشنهاد می کنند، اما تقریباً همگی در این موضوع که رفتارهای مخاطبان و به خصوص نوجوانان تا حد زیادی متأثر از الگوهای است که رسانه ها در اختیار شان قرار می دهند، هم نظرند. به ویژه در غرب که هر از چندی شاهد قتل ها و تیراندازی ها و آدم رباها و خودکشی هایی هستیم که مر تکبین آنها به صراحت از تاثیر پذیری شان از فلان فیلم یا سریال می گویند. این جادو ایران اما بانه ذات دانشگاه بودن که برای تلویزیون تعریف نشده، تا مدت های مدیدی رسانه ها چنین اخباری را با یکوت می کردند. تا این اواخر که با سریال «کیلو متر تا بهشت» درباره ارواح سرگردانی که سعی داشتند جلوی وقوع رخدادهایی را در دنیای واقعی بگیرند این موضوع در رسانه های شد. ظاهر ما حوم مهدی کوهی ۱۳ ساله،

فرهاد باتیشه پلاستیکی!

رنج نامه ای برای تیم امید که بازیکنانش اضافه وزن دارند، زیبا بازی نمی کنند و فدراسیون را به فکر تقویت کادر فنی انداخته اند



باشگاه ها همکاری می کنند؟

تمام مسابقات تیم المپیک ایران در تقویم فیفا جایی ندارد و به همین ترتیب باز هم مثل سال های اخیر با بحران عدم همکاری باشگاه ها با تیم امید روبه رو هستیم. مسابقات قهرمانی آسیا هم امسال همزمان می شود با کورن مسابقات لیگ و لیگ قهرمانان آسیا و باید دید فدراسیون چه راه حلی برای این که مجیدی بتواند تمام شاگردانش را در تمرینات و مسابقات در اختیار داشته باشد، پیدا می کند. اخیراً هم فرهاد مجیدی در جلسه ای که با مهدی تاج و محمدرضا ساکت برگزار کرده از همین حالا خواستار روشن شدن وضع بازیکنانی شده که باشگاه ها با حضورشان در تمرینات و مسابقات مخالفت می کنند و این مسأله سیستم تمرینات تیم را با مشکلات اساسی روبه رو می کند.

چند بازیکن اضافه وزن دارند

یکی از مشکلات اصلی تیم امید شرایط نه چندان مطلوب آمادگی بدنی بازیکنان است. اکثر آنها در دست است که در تیم های لیگ برتری حضور دارند اما بازیکن ذخیره هستند و دقایق زیادی به عنوان بازیکن جوان در لیگ بازی نمی کنند. این عدم آمادگی بدنی البته یکی از بزرگترین چالش های فرهاد مجیدی در تیم امید است و می توان باز هم مانع صعود ایران به المپیک شود. با وجود این مجیدی وعده بهتر شدن اوضاع بدنی آنها در آینده را داده است. در همین رابطه به نیست بداند که اصلاً چند بازیکن تیم امید اضافه وزن هم دارند.

تبعیض های موجود

آیا مدیران فدراسیون به بازیکنان تیم امید به چشم فوتبالیست ملی نگاه می کنند؟ اگر این طور باشد باید هیچ تبعیضی بین بازیکنان تیم های ملی مختلف وجود نداشته باشد! اما این تبعیض وجود دارد و نمونه آشکار آن متفاوت بودن برند لباس تیم های ملی است که در روزهای اخیر هم انتقادات زیادی را متوجه فدراسیون فوتبال کرده است. در همین بازی دوستانه تیم ملی بزرگسالان با تیم امید، شاگردان ویلموتس لباس آدیداس بر تن داشتند و شاگردان فرهاد مجیدی لباس آل اشپورت! این تبعیض فدراسیون بدون شک روی روحیه بازیکنان تیم امید هم تأثیر منفی می گذارد.

فدراسیون به فکر تقویت کادر فنی

از زمانی که فرهاد مجیدی هدایت تیم امید را بر عهده گرفت، انتقادات زیادی به کادر فنی کم تجربه او مطرح شد. از نظر بسیاری از کارشناسان اسم فرهاد مجیدی به تنهایی برای المپیک شدن فوتبال ایران کافی نبود و فشارهای زیادی هم روی مهدی تاج برای تعیین دستیاران کلر بلد کنار مجیدی وجود داشت. با وجود این با فشار فدراسیون در نهایت فرهاد مجیدی قبول کرده که یک دستیار خارجی به کادر فنی تیم امید اضافه کند و به همین ترتیب اعلام کرده یک مربی اسپانیایی را با انتخاب خودش به کادر اضافه خواهد کرد تا از اردوی بعدی در برنامه های آمادگی تیم امید حضور داشته باشد.

رپورتاژ



سیاوش اکبرپور: اگر من را رها کنند، می روم باشگاه استقلال را روی سر این آقایان خراب می کنم. باشگاه به ایمن بزرگی،

آکادمی به این کوچکی رانمی تواند جمع کند. این محمد مومنی که آورده اند، پیشکسوت کجا بوده؟ من فکر نمی کنم اقا ۱۰، ۱۱ بازی بیشتر برای استقلال کرده باشد. این آقایان زدوبند می کنند و استقلال را با خاک یکسان کرده اند. انتخاب این نفرت به چه معنی است؟ یک نفر را می آورند که ۱۰ بازی هم برای استقلال نکرده است و به او سمت مهم هم می دهند. پیشکسوت استقلال باید خاک باشگاه را خورده باشد و این که یک نفر ۶ ماه در این تیم بازی کرده، پیشکسوت نیست. بعد می روند آدم می آورند و هر روز به او کلمه دکتر، دکتر می بینند. جمع کنید این بساط را! آن از زمان رضا فتحاری که معلوم نیست چه کسی او را مدیرعامل استقلال کرد و این هم از زمان الان.»



شهیتم ازفی: «من در کلاس های مربیگری در هیأت فوتبال جنوب غرب تهران حاضر شدم و زیر نظر آقای نظرزاده کار حضور در کلاس های مربیگری را به صورت رسمی آغاز کردم. بعد از این که چهار سال به دلیل خستگی از فوتبال دور بودم، حالا می خواهم در مربیگری مدرک بگیرم و پله پله رشد کنم. در حال حاضر آمادگی گرفتن تیم ندارم، چرا که باید اول مدرک بگیرم و تجربیات خودم را بالا ببرم. امیدوارم بتوانم کنار یک مربی بزرگ حضور داشته باشم و کار را یاد بگیرم. به فکر این هستم که در آینده بتوانم مربیگری کنم. پرسپولیس یک پله خیلی بزرگ است اما در فوتبال هر چیزی امکان دارد رخ بدهد. کسی از آینده خبر ندارد. فکر می کنم من اولین خارجی ای هستم که در کلاس های ایران دوره مربیگری را پشت سر می گذارم و باید بگویم در این کلاس چیزهای خیلی زیادی یاد گرفتم.»